

تزه‌ای مربوط به جبهه‌ی واحد کارگری



اسناد کنگره چهارم بین الملل کمونیست

ضمیمه‌ی تزه‌های مربوط به تاکتیک‌های کمینترن^۱

۱- جنبش بین‌المللی کارگری در حال حاضر از یک دوره‌ی ویژه‌ی انتقالی می‌گذرد. که برای بین‌الملل کمونیستی به‌طور کلی و برای بخش‌های جداگانه‌ی آن مسائل تاکتیکی مهم و جدیدی را مطرح می‌سازد. این دوره را می‌توان اساساً با خصوصیات زیر مشخص کرد:

بحران جهانی اقتصادی وخیم‌تر می‌شود. بیکاری افزایش می‌یابد؛ در تقریباً تمام کشورها، سرمایه‌ی بین‌المللی حمله‌ی نظام‌یافته‌ای را علیه طبقه‌ی کارگر به‌راه انداخته، که عمده‌ترین نشانه‌ی آن تلاش آشکار برای کاهش دستمزدها و پائین آوردن سطح عمومی زندگی کارگران است؛ ورشکستگی پیمان صلح ورسای روز به روز برای اکثریت عظیم کارگران واضح‌تر می‌شود.

واضح است که اگر پرولتاریای بین‌المللی نتواند نظام بورژوایی را سرنگون کند، وقوع یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کنفرانس واشنگتن^۲ به صراحت این مطلب را نشان داده است.

^۱ - این تزه‌ها نخست قبل از کنگره‌ی چهارم کمینترن توسط هیأت اجراییه بین‌الملل و تحت عنوان "درباره‌ی وحدت جبهه‌ی پرولتاری" منتشر شدند. ترجمه‌ی فارسی این تزه‌ها قبلاً در (کندوکاو، دوره‌ی اول، شماره ۵) منتشر شده است. اما، آن ترجمه که براساس متن فرانسوی صورت گرفته بود، نواقص بسیاری داشت. ترجمه‌ی فعلی از روی متن انگلیسی و از کتاب اسناد کمینترن (اینک لینک، لندن ۱۹۸۰) صص ۴۰۹-۴۰۰، صورت گرفته است.

^۲ - کنفرانس واشنگتن در سال ۱۹۲۱ به ابتکار دولت آمریکا برگزار شد. هدف آن بحث درباره‌ی خاور دور بود. ژاپن موافقت کرد که سواحل شرقی چین (کیائوشو) را ترک کند. استقلال چین به رسمیت شناخته شد. تصاحبات آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ژاپن در حوزه‌ی

۲- احیاء نوعی از توهامات رفورمیستی که به خاطر برخی شرایطی در میان بخش های گسترده ای از کارگران به راه افتاده بود، اکنون تحت فشار حقایق جای خود را به روحیه ی کاملاً متفاوتی می دهد. توهامات دموکراتیک و رفورمیست که بعد از اتمام کشتار امپریالیستی در میان برخی از کارگران (از یک طرف میان کارگران مرفه تر و از طرف دیگر در میان کارگران از لحاظ سیاسی کم تجربه تر) دوباره ظهور کرده بودند، میوه ای به بار نیاوردند و در حال برطرف شدنند. مسیر بعدی و نتایج "کار" کنفرانس واشنگتن هر چه بیش تر به این توهامات پایان خواهند داد. اگر شش ماه پیش، ممکن بود که با برخی قید و شرط ها از یک حرکت عمومی به راست در میان توده های کارگران اروپا و آمریکا سخن گفته شود، امروزه می توان با اطمینان گفت که حرکتی معکوس به چپ آغاز شده است.

۳- از طرف دیگر، تحت تأثیر تهاجم فزاینده ی سرمایه داری روحیه ی جدیدی در میان کارگران شکل گرفته است: تمایل خود به خودی در جهت وحدت که عملاً غیرقابل مهار کردن است و به موازات افزایش تدریجی اعتماد توده های وسیع کارگران نسبت به کمونیست ها صورت گرفته است.

امروزه محافل هرچه بیش تری از کارگران شهامت پیشتاز کمونیستی را در مبارزه برای دفاع از منافع طبقه ی کارگر در زمانی که هنوز اکثریت عظیم کارگران در بی تفاوتی به سر می برد و حتی نسبت به کمونیزم خصومت داشت، تقدیر می کنند. تعداد دانماً فزاینده ای از کارگران امروزه متقاعد می شوند که این فقط کمونیست ها بودند که در سخت ترین شرایط و گاهی به بهانه ی فداکاری های بزرگ از منافع اقتصادی و سیاسی آنان دفاع کردند. به همین

اقیانوس آرام متقابلاً تثبیت شد. و حجم مجاز نیروهای دریائی کشورهای فوق در منطقه براساس توافقات این کنفرانس تعیین شد.

دلیل، دوباره احترام و اعتماد نسبت به پیشگام سازش ناپذیر کمونیستی طبقه‌ی کارگر افزایش می‌یابد. اکنون، حتی اقشار عقب افتاده‌تر کارگران به بیهودگی توهمات رفورمیستی، پی برده‌اند و متقاعد شده‌اند که بدون مبارزه راه فراری در مقابل تهاجم گانگسترهای سرمایه‌دار وجود ندارد.

۴- احزاب کمونیست می‌توانند و می‌باید که امروزه ثمره‌ی مبارزاتی را که در گذشته و در شرایط کاملاً نامساعد بی‌تفاوتی توده‌ای انجام دادند، به دست آورند اما، همراه با رشد دائمی اعتماد توده‌های کارگری به عناصر سازش‌ناپذیر و مبارز، به عناصر کمونیست طبقه‌ی کارگر، روحیه‌ی بی‌سابقه‌ای نیز برای اتحاد آنان را تسخیر کرده است. اقشار جدید از لحاظ سیاسی کم‌تجربه‌ی کارگران که تازه پا به صحنه‌ی فعالیت می‌گذارند. به وحدت تمام احزاب کارگری و حتی تمام سازمان‌های کارگری دل‌بسته‌اند. آن‌ها امیدوارند که بدین طریق بتوان مقاومت در برابر تهاجم سرمایه‌داری را تقویت کرد. این لایه‌ها که اغلب قبلاً در مبارزات سیاسی نقش فعالی نداشته‌اند، امروزه راه جدیدی برای امتحان کردن برنامه‌های عملی رفورمیزم را در پرتو تجربه‌ی خویش پیدا می‌کنند. همانند اینان، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از کارگران متعلق به احزاب قدیمی سوسیال-دموکراتیک حتی امروزه نیز حاضر به صحنه‌گذاردن بر حملات سوسیال‌دموکرات‌ها و سانتریست‌ها علیه پیشگام کمونیستی نیستند. آن‌ها حتی شروع به درخواست توافق با کمونیست‌ها کرده‌اند، هر چند که در عین حال هنوز از اعتقاد خود به رفورمیزم دست نکشیده‌اند و تعداد زیادی از آن‌ها هنوز از احزاب بین‌الملل دوم و آمستردام حمایت می‌کنند. آن‌ها هنوز مطالبات و برنامه‌های خود را آن‌چنان دقیق فورموله نکرده‌اند، اما به‌طورکلی روحیه‌ی جدید در میان این توده‌ها به

تمایل به ایجاد یک جبهه ی واحد و وادار ساختن احزاب و اتحادیه های بین الملل های دوم و آمستردام به جنگیدن در کنار کمونیست ها علیه حملات سرمایه داری خلاصه می شود. و تا این اندازه، این روحیه مترقی است. مهم ترین نکته این است که ایمان اشان به رفورمیزم متزلزل شده است. در اوضاع کنونی جنبش کارگری، هر عمل توده ای جدی، حتی اگر با شعارهای جزئی آغاز شود، به طور اجتناب ناپذیر مسائل اساسی و عمومی انقلاب را مطرح خواهد کرد. پیشگام کمونیستی فقط هنگامی می تواند این لایه های جدید کارگران را به خود جلب کند که آن ها به واسطه ی تجربه ی خویش متقاعد شده باشند که رفورمیزم توهمی بیش نیست و سازش خطرناک است.

۵- هنگامی که اعتراضات آگاهانه و سازمان یافته علیه خیانت پیشگی رهبران بین الملل دوم هنوز مراحل اولیه ی خود را طی می کرد، کنترل تمام دستگاه سازمان های کارگری در دست این رهبران بود. آن ها با سواستفاده ی ظالمانه از اصل وحدت و انضباط کارگری اعتراضات انقلابی پرولتاریا را در نطفه خفه کردند تا بتوانند تمام قدرت سازمان های کارگری را در خدمت امپریالیزم ملی قرار دهند. در چنین شرایطی، جناح انقلابی ناچار بود که به هر قیمتی که شده آزادی تهییج و تبلیغ، یعنی آزادی تشریح این خیانت تاریخی بی سابقه را به دست آورد و به پرولتاریا نشان دهد که احزاب و اتحادیه های که خود ایجاد کرده اند مرتکب چنین خیاناتی شده اند و می شوند.

۶- امروزه احزاب کمونیست که آزادی کامل سازمانی برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در میان توده های کارگری را به نقد تضمین کرده اند، می کوشند تا در هر فرصتی وحدت هر چه گسترده تر و کامل تر این توده ها را در فعالیت های عملی تحقق بخشند. قهرمانان بین الملل دوم و آمستردام در

حرف در باره‌ی وحدت موعظه می‌کنند، اما عمل اشان نفی آن است. اکنون که سازشکاران رفورمیست آمستردام در اقدامات سازمانی خود برای سرکوب صدای اعتراض، انتقاد و آمال انقلابی ناکام مانده‌اند، تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد انشعاب و اغتشاشات و خرابکاری‌های سازمانیافته درون مبارزات توده‌های کارگری راه فرار از بن بست، خود را پیدا کند. یکی از مهم‌ترین وظایف روز کمونیست‌ها همانا افشای علنی این اشکال جدید خیانت‌های کهنه است.

۷- اما، دیپلمات‌ها و رهبران بین‌الملل‌های دوم و دوونیم اخیراً بواسطه‌ی تحولات عمیق درونی ناشی از موقعیت عمومی اقتصادی طبقه‌ی کارگر در اروپا و آمریکا خود ناچار شده‌اند که مسأله‌ی وحدت را مطرح کنند. هر چند برای بخش‌های بی‌تجربه‌ی کارگران که از لحاظ سیاسی تازه شروع به آگاه شدن کرده‌اند، شعار جبهه‌ی واحد بیان راستین تمایل واقعی آنان به گردهمایی نیروهای ستم‌دیدگان علیه حملات سرمایه‌داری است، برای رهبران و دیپلمات‌های بین‌الملل‌های دوم، و دوونیم و آمستردام طرح شعار وحدت معرف تلاش جدیدی برای تحمیق کارگران و راه جدیدی برای کشیدن آنان به مسیر سازش طبقاتی است. خطر قریب الوقوع یک جنگ جدید امپریالیستی، رشد تسلیحات نظامی و قراردادهای جدید مخفیانه‌ی امپریالیستی همگی نه تنها رهبران بین‌الملل دوم، دوونیم و آمستردام را بر آن نخواهند داشت که زنگ خطر را به صدا درآورند و وحدت بین‌المللی طبقه‌ی کارگر را نه در حرف که در عمل ممکن سازند. بلکه برعکس، در درون این سازمان‌ها همان اصطکاکات و انشعابات را که خود در اردوگاه بورژوازی بین‌المللی مشاهده می‌شود، ایجاد خواهند کرد. این جریان اجتناب‌ناپذیر است زیرا که سنگ بنای

رفورمیزم همانا همبستگی "سوسیالیست رفورمیست" ها با بورژوازی کشور "خودشان" است.

این ها هستند آن شرایط عمومی که بین الملل کمونیستی به طور کلی و بخش های جداگانه ی آن باید به هنگام فورموله کردن برخورد خود نسبت به شعار جبهه ی واحد سوسیالیستی در مد نظر داشته باشند.

۸- کمیته ی اجرائی بین الملل کمونیستی بر اساس ارزیابی خود از اوضاع بر این اعتقاد است که شعار کنگره ی سوم جهانی، "به سوی توده ها"، و نیز منافع عمومی جنبش کمونیستی ایجاب می کند که احزاب کمونیست و بین الملل کمونیستی به طور کلی از شعار جبهه ی واحد کارگران پشتیبانی کنند و ابتکار عمل در رابطه با آن را در دست خود بگیرند. البته، تاکتیک های خاص هر یک از احزاب کمونیست باید براساس شرایط و اوضاع هر کشور خاص مشخص شود.

۹- در آلمان، حزب کمونیست در آخرین کنفرانس سراسری خود از شعار جبهه ی واحد کارگران حمایت کرد و امکان پشتیبانی خود را از یک "حکومت متحد کارگری" که به مبارزه ی جدی علیه قدرت سرمایه داری تمایل نشان دهد، اعلام داشت. کمیته ی اجرائی بین الملل کمونیستی این تصمیم را کاملاً تأیید می کند و اطمینان دارد که حزب کمونیست آلمان خواهد توانست همراه با حفظ کامل موضع سیاسی مستقل خود به همه ی بخش های طبقه ی کارگر دسترسی یابد و نفوذ کمونیستی در میان توده ها را گسترش دهد. بیش از هر جای دیگری در آلمان توده های وسیع هر چه بیش تر متقاعد خواهند شد که پیشگام کمونیستی هنگامی که در سخت ترین شرایط زمین گذاردن سلاح خود را نپذیرفت، توخالی بودن وعده های رفورمیست ها برای حل بحران را

پیگیرانه افشاء کرد و توضیح داد که تنها راه حل بحران همانا انقلاب پرولتاری است، مطلقاً حق داشت. با پیروی از این تاکتیک، حزب می‌تواند همه‌ی عناصر آنارشیست و سندیکالیست را که فعلاً از مبارزات توده‌ای کناره گرفته اند، به دور خود گرد آورد.

۱۰- در فرانسه اکثریت کارگرانی که از لحاظ سیاسی سازمانیافته اند از حزب کمونیست حمایت می‌کنند. بنابر این، مسأله‌ی جبهه‌ی واحد در فرانسه با سایر کشورها متفاوت است. اما در آن جا هم مهم است که تمام مسئولیت هرگونه انشعابی در اردوی متحد کارگران به دوش مخالفین ما بیفتد. جناح انقلابی سندیکالیست‌های فرانسوی در مبارزه‌ی خود علیه انشعاب در اتحادیه‌های کارگری و تلاش برای حفظ وحدت طبقه‌ی کارگر در مبارزات اقتصادی علیه بورژوازی کاملاً محق است. اما مبارزه‌ی کارگران در حوزه‌ی صنعت محدود نمی‌شود. در پرتو موج فزاینده‌ی ارتجاع، سیاست‌های امپریالیستی و غیره نیز اهمیت اساسی وحدت برجسته می‌شود. سیاست رفورمیست‌ها و ساتنریست‌ها، که به انشعاب در حزب منجر شد، اکنون حتی وحدت جنبش اتحادیه‌های کارگری را تهدید می‌کند. و این دلیل عینی دیگری است که همکاری ژونولانگه^۳ با بورژوازی را اثبات می‌کند. شعار اتحاد

^۳- لئون ژونو (۱۹۵۴-۱۸۷۹) LEON JOUHAUX از سال ۱۹۰۹ به بعد دبیرکل کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (C. G. T.) بود. در دوران جنگ جهانی اول موضع دفاع از جنگ را اتخاذ کرد و برای بسیج کارگران فرانسوی در خدمت تلاش‌های نظامی دولت فرانسه کوشید. او با انقلاب روسیه مخالفت کرد، و جزو نمایندگان فرانسه در جامعه‌ی ملل بود. او بعدها از کنفدراسیون کارگران انشعاب کرد و فدراسیون جدیدی از اتحادیه‌های کارگری را ایجاد کرد: FORCE OUVRIERE

ژان لانکه (۱۹۳۸-۱۸۷۶) JEAN LONGNET وکیل دادگستری و سوسیالیست که در دوران جنگ هر چند که موضعی صلح طلبانه داشت به اعتبارات جنگی رأی می‌داد. او سردبیر نشریه‌ی LE POPULAIRE بود که به حزب سوسیالیست تعلق داشت. پس از کنگره‌ی ۱۹۲۰ حزب سوسیالیست، هنگامی که اکثریت به دست کمونیست‌ها افتاد، او و

پرونتری در مبارزات اقتصادی و سیاسی علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم ساختن این نقشه های انشعابگرانه است.

اگر چه کنفدراسیون رفورمیست کارگران به رهبری ژونو، مرایم و شرکاء^۴ به منافع طبقه ی کارگر فرانسه خیانت خواهد کرد، کمونیست ها و عناصر انقلابی ی طبقه ی کارگر فرانسه باید قبل از هر اعتصاب توده ای، تظاهرات انقلابی و یا هرگونه عمل توده ای، خودانگیخته از رفورمیست ها بخواهند که از ابتکار توده ها حمایت کنند، و هنگامی که از شرکت در مبارزات انقلابی کارگران خودداری می کنند، آن ها را سرسختانه افشاء سازند. این، بهترین راه جلب توده های کارگری است که خارج از حزب قرار دارند. البته، استفاده از این روش نباید به هیچ وجه استقلال حزب کمونیست را مورد مصالحه قرار دهد. مثلاً، از طریق حمایت حتی به شکل محدود از "بلوک چپ" در انتخابات^۵ و یا نرمش در باره ی "کمونیست" های مردد که هنوز از انشعاب با سوسیال-شوونیست ها ابراز تأسف می کنند.

۱۱- در بریتانیا، حزب رفورمیست کارگر از پیوستن حزب کمونیست براساس شرایط مشابهی که سایر سازمان های کارگری از آن برخوردارند، جلوگیری کرده است. اما، تحت تأثیر روحیه ی فزاینده ی کارگران برای وحدت، سازمان های کارگری لندن اخیراً به قطعنامه ای رأی دادند که از پیوستن حزب کمونیست بریتانیا به حزب کارگر حمایت می کند.

طرفدارانش انشعاب کردند و به بین الملل دونیم پیوستند. چندی بعد او به بین الملل دوم بازگشت.

^۴- آلفونس مرایم (۱۸۷۱-۱۹۲۵) ALPHONSE MERRHEIM رهبر اتحادیه ی کارگران فلزکار فرانسه بود. نخست طرفدار پیوستن حزب سوسیالیست فرانسه به بین الملل کمونیستی بود، اما به دنبال تشکیل حزب کمونیست فرانسه با آن مخالفت کرد.

^۵- "بلوک چپ" در فرانسه براساس ائتلاف سوسیالیست ها و رادیکال ها تشکیل شد و در انتخابات مه ۱۹۲۴ پیروز شد و تا ژوئیه ۱۹۲۶ حکومت را در دست داشت.

البته، بریتانیا از این لحاظ یک استثناء است. شرایط ویژه‌ی آن جا باعث شده است که حزب کارگر بریتانیا به یک نوع سازمان عمومی کارگران کل کشور تبدیل شود. کمونیست‌های بریتانیا باید فعالیت گسترده‌ای را برای راه یافتن به درون حزب کارگر آغاز کنند. خیانت‌های اخیر رهبران اتحادیه‌های کارگری در اعتصاب معدنچیان، فشار روزافزون سرمایه‌داری برای کاهش دستمزدها و غیره، نارضایتی عمیقی را در توده‌ی پرولتاریای بریتانیا برانگیخته و این طبقه هر چه بیش‌تر انقلابی می‌شود. کمونیست‌ها باید تحت شعار جبهه‌ی واحد انقلابی علیه سرمایه‌داران حداکثر تلاش خود را مبذول دارند تا به هر قیمتی که شده نفوذ خود را در صفوف ساده‌ی کارگر گسترش دهند.

۱۲- در ایتالیا، حزب جوان کمونیست شدیداً با حزب رفورمیست سوسیالیست ایتالیا و خائنین کنفدراسیون کارگری که همین چندی پیش منافع انقلاب پرولتری را فروختند، مبارزه می‌کند. اما، با این وجود، فعالیت تهبیجی خود را حول شعار جبهه‌ی واحد رزمنده‌ی پرولتری علیه تهاجم سرمایه‌داری آغاز کرده است. هیأت اجراییه‌ی بین‌الملل کمونیستی اعتقاد دارد که این فعالیت کاملاً بجاست و فقط تأکید می‌کند که در همین جهت تقویت شود. هیأت اجراییه اطمینان دارد که حزب کمونیست ایتالیا با افشای بیرحمانه‌ی خیانت و تزلزل رفورمیست‌ها و سنتریست‌ها (که تحت پوشش کمونیستی مخفی شده‌اند) در هر قدم، و در آن واحد، با مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیر برای وحدت جبهه‌ی کارگری علیه بورژوازی که باید دائماً گسترش یابد و بخش‌های هر چه وسیع‌تری از توده‌ها را دربرگیرد، نمونه‌ای از مارکسیزم رزمنده را به کل بین‌الملل ارائه خواهد داد. در این رابطه حزب باید طبعاً حداکثر تلاش خود

را برای تضمین شرکت عناصر سندیکالیست انقلابی در مبارزات مشترک به کار بگیرد.

۱۳- در چکسلواکی، که حزب کمونیست از پشتیبانی بخش مهمی از کارگران سازمانیافته در تشکیلات سیاسی برخوردار شده، وظایف کمونیست ها در برخی از جوانب مشابه کمونیست های فرانسه است. حزب کمونیست چکسلواکی در عین حالی که آخرین باقی مانده های سانتریزم را تصفیه می کند و استقلال خود را استحکام می بخشد، باید بتواند شعار جبهه ی واحد کارگری علیه بورژوازی را در سراسر کشور ترویج دهد و رهبران سوسیال-دموکراسی و سانتریست ها را به مثابه نمایندگان سرمایه داری در میان عقب افتاده ترین کارگران برای همیشه افشاء سازد. حزب کمونیست باید در آن واحد تلاش های خود را برای جلب اتحادیه های کارگری که کماکان در دست رهبران خائن هستند، افزایش دهد.

۱۴- در سوئد، انتخابات اخیر پارلمانی موقعیتی را ایجاد کرده است که به جناح کوچک نمایندگان کمونیست اجازه خواهد داد که نقش عمده ای ایفاء کند. آقای برانتینگ، یکی از رهبران مهم بین الملل دوم و در عین حال نخست وزیر بورژوازی سوئد، در موقعیتی قرار گرفته است که به خاطر تضمین اکثریت پارلمانی نمی تواند نسبت به اقدامات فراقسیون کمونیستی در پارلمان بی تفاوت بماند. هیأت اجراییه ی بین الملل کمونیستی معتقد است که فراقسیون کمونیستی در پارلمان سوئد نمی تواند تحت برخی از شرایط از وزارت منشویک برانتینگ حمایت کند. همان طوری که کمونیست های آلمان در برخی از ایالات آلمان از حکومت های محلی حمایت کردند (مثلاً، در تورینکیا). اما، این نباید به هیچ وجه به معنای محدود کردن استقلال

کمونیست‌های سوندی و یا خودداری از افشای خصلت منشویکی حکومت باشد. برعکس، هر چه منشویک‌ها قدرت بیش‌تری داشته باشند، بیش‌تر به طبقه‌ی کارگر خیانت خواهند کرد و تلاش‌های کمونیست‌ها برای افشای آن‌ها در میان وسیع‌ترین بخش‌های طبقه‌ی کارگر باید هر چه بیش‌تر افزایش یابد. حزب کمونیست باید هم چنین کارگران سندیکالیست را در مبارزات مشترک درگیر سازد.

۱۵- در آمریکا، وحدت تمام عناصر چپ در جنبش اتحادیه‌های کارگری و جنبش سیاسی آغاز شده است و چنانچه کمونیست‌ها بتوانند در این جریان وحدت چپ نقش مرکزی ایفاء کنند، فرصت خواهند یافت که موقعیت خود را در میان وسیع‌ترین توده‌های پرولتاریای آمریکا مستحکم سازند. کمونیست‌های آمریکائی باید در هر جایی که حتی تعداد اندکی کمونیست وجود دارد، به تشکیل گروه‌های کمونیستی دست بزنند و باید بتوانند در رأس این جنبش برای وحدت تمام نیروهای انقلابی قرار گیرند. آن‌ها باید به ویژه امروزه شعار جبهه‌ی واحد کارگری را مثلاً برای دفاع از بیکاران و غیره مطرح کنند. اتهام عمده علیه اتحادیه‌های کارگری گامپرز^۶ باید این باشد که آن‌ها به شرکت در ایجاد یک جبهه‌ی واحد کارگری علیه سرمایه‌داران و در دفاع از بیکاران و غیره تمایلی نشان نمی‌دهند. اما، وظیفه‌ی عمده‌ی حزب

^۶ - ساموئل کامپرز (۱۹۲۴-۱۸۵۰) رهبر محافظه‌کار فدراسیون کارگری آمریکا بود. او معتقد بود که حتی بین الملل رفورمیست آمستردام بیش از اندازه "سرخ" است! او یکی از بنیادگذاران اتحادیه‌های کارگری در محدوده‌ی شرکت‌های سرمایه‌داری بود: "اتحادیه‌های شرکتی"

کمونیست کماکان عبارت است از جلب بهترین عناصر سندیکای "کارگران صنعتی جهان"^۷.

۱۶- در سوئیس، حزب ما پس از دنبال کردن مسیر پیشنهادی موفقیت هانی کسب کرده است. به خاطر تهییج کمونیست ها برای یک جبهه ی واحد انقلابی، بوروکراسی اتحادیه های کارگری مجبور به فراخواندن یک کنگره ی ویژه ی اتحادیه های کارگری شده است. در این کنگره که قرار است به زودی تشکیل شود، رفقای ما قادر خواهند بود که فریبکاری رفورمیزم را در مقابل همه ی کارگران سوئیس افشاء کنند و همبستگی انقلابی پرولتاریا را افزایش دهند.

۱۷- در برخی از کشورها مسأله ی جبهه ی واحد براساس شرایط گوناگون محلی به اشکال متفاوتی مطرح خواهد شد، هیأت اجراییه ی بین الملل کمونیستی اطمینان دارد که با روشن شدن خط مشی عمومی، احزاب کمونیست خواهند توانست براساس شرایط ویژه ی حاکم در کشور خود، آن را به نحو درست به کار گیرند.

۱۸- هیأت اجراییه ی بین الملل کمونیستی معتقد است که شرط عمده و اجباری و یکسان برای همه ی احزاب کمونیست عبارت است از حفظ استقلال مطلق همه ی احزاب کمونیست در هرگونه توافقی با احزاب بین الملل های دوم و دوونیم و حفظ آزادی کامل برای تبلیغ نظرات خود و طرح انتقادات خود از

^۷ - اتحادیه ی "کارگران صنعتی جهان" در آمریکا (IWW) در سال ۱۹۰۵ توسط بهترین عناصر چپ آمریکا تشکیل شد از رهبران آن می توان از دبیز DEBS، دو لئون DE LEON و "مادر" جونز JONES، نام برد. این اتحادیه مبارزات سرسختانه ای را در دوران قبل از جنگ سازمان داد. مواضع آن به سندیکالیزم انقلابی نزدیک بود. پس از جنگ عملاً از هم پاشید و برخی از مبارزین آن به کمونیزم جلب شدند. مثلاً، ویلیام فاستر WILLIAM .Z. FOSTER و جیمز کانون JAMES .Z. CANON از بنیادگذاران حزب کمونیست آمریکا از این اتحادیه آمدند.

کسانی که با کمونیست ها مخالفت می ورزند. احزاب کمونیست در عین حالی که ضرورت انضباط در عمل را می پذیرند، باید حق و فرصت عنوان کردن نظرات خود را در باره ی سیاست های تمام سازمان های طبقه ی کارگر، بدون استثناء، چه در حین اقدامات مشترک و چه پس از آن محفوظ دارند. تحت هیچگونه موقعیتی رها کردن این شرط مجاز نیست. کمونیست ها در عین حالی که از شعار وحدت حداکثر تمام سازمان های کارگری در هرگونه اقدام عملی علیه جبهه ی سرمایه داری پشتیبانی می کنند، تحت هیچ شرایطی نمی توانند از طرح عقاید خود که تنها بیان پیگیر منافع کل طبقه ی کارگر، خودداری کنند.

۱۹- هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که یادآوری تجارب بلشویک های روسیه - تنها حزبی که تا کنون در شکست دادن بورژوازی و تسخیر قدرت توفیق یافته- به همه ی احزاب هم نظر مفید خواهد بود. در تمام پانزده سالی که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن بر بورژوازی به طول انجامید (۱۹۱۷-۱۹۰۳)، بلشویک ها از مبارزه ی خستگی ناپذیر علیه رفورمیزم و یا به عبارت دیگر منشویزم دست برنداشتند. با این وجود، در این پانزده سال بلشویک ها در بسیاری موارد با منشویک ها به توافقاتی رسیدند.

انشعاب رسمی با منشویک ها در بهار سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست. اما در اواخر همان سال، تحت تأثیر گسترش عظیم جنبش کارگری، بلشویک ها به طور موقت با منشویک ها یک جبهه ی مشترک ایجاد کردند. دومین انشعاب رسمی با منشویک ها عاقبت در ژانویه ی ۱۹۱۲ رخ داد. اما بین سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲، جدائی مانع وحدت ها و شبه وحدت های سال های ۱۹۰۷-۱۹۰۶ و یا ۱۹۱۰ نشد. این گونه توافقات نه صرفاً به خاطر نوسانات در

مبارزات جناحی، بلکه به دلیل فشار مستقیم بخش های وسیع کارگران ضرورت می یافت. توده های کارگر فعالیت سیاسی را آغاز می کردند و خواهان این بودند که خود فرصت داشته باشند تا براساس تجربه ی خود دوری بنیادی منشویزم از مسیر انقلابی را آزمایش کنند. قبل از آغاز برخاست جدید انقلابی پس از اعتصابات لنا^۸، و نه چندان قبل از آغاز جنگ امپریالیستی، توده های کارگر روسیه به ویژه مشتاق وحدت بودند و رهبران سیاستمدار منشویزم روسی تلاش می کردند تا از این روحیه به نفع اهداف خود سواستفاده کنند. همان طور که امروزه رهبران بین الملل های دوم و دوونیم و آمستردام چنین می کنند. بلشویک های روسیه اما در پاسخ به تمایل کارگران برای وحدت از شرکت در هرگونه جبهه ی واحد خودداری نکردند. برعکس، برای خنثی ساختن بازی دیپلماتیک رهبران منشویک، بلشویک ها شعار "وحدت از پائین"، یعنی وحدت خود توده های کارگری در مبارزات عملی و برای خواست های انقلابی کارگران علیه سرمایه داران را پیش کشیدند. حوادث بعدی اثبات کرد که این تنها واکنش صحیح بود. نتیجه ی این تاکتیک که براساس موقعیت های زمانی و محلی اصلاح می شد، این بود که بسیاری از بهترین کارگران منشویک به تدریج به کمونیزم جلب شدند.

۲۰- از آن جا که بین الملل کمونیستی شعار جبهه ی واحد کارگران را مطرح می کند و توافقات میان بخش های بین الملل کمونیستی و احزاب و اتحادیه های بین الملل های دوم و دوونیم را مجاز می شمارد، طبعاً نمی تواند توافقات مشابه در سطح بین المللی را رد کند. مثلاً، هیأت اجراییه بین الملل

^۸ - لنا Lena نام یکی از رودخانه های سیبری است. اعتصابات کارگری اوائل سال ۱۹۱۲ در منطقه ی لنا منجر به جنبش عظیمی از همبستگی در اول ماه مه ۱۹۱۲ شد که در واقع آغاز مجدد جنبش انقلابی در روسیه را نشانه زد.

کمونیستی به بین الملل آمستردام پیشنهاد داد که در رابطه با مسأله ی کمک به رفع قحطی در روسیه وحدت عمل داشته باشند. پیشنهادات مشابهی نیز برای اقدام علیه تروریزم روس های سفید و مسأله ی خفقان ضدکارگری در اسپانیا و یوگسلاوی ارائه داده است. هیأت اجرائیه ی بین الملل کمونیستی در حال حاضر مشغول مذاکره با بین الملل دوم و دوونیم و آمستردام بر سر مسأله ی اقدام مشترک علیه کارهای اولیه کنفرانس واشنگتن است که نشان می دهد کشتار جدید امپریالیستی طبقه ی کارگر جهان را تهدید می کند. رهبران بین الملل دوم و دوونیم و آمستردام براساس رفتار خود تا کنون نشان داده اند که هنگامی که مسأله ی فعالیت های عملی مطرح می شود، آن ها عملاً شعارهای خود برای وحدت را فراموش می کنند. در تمام موقعیت های این چنانی، وظیفه ی بین الملل کمونیستی به طور کلی و همه ی بخش های آن به طور جداگانه این است که دورویی این رهبران را در وسیع ترین محافل کارگری افشاء کنند. این ها وحدت خود را با بورژوازی به وحدت با کارگران انقلابی ترجیح می دهند و با باقی ماندن در مثلاً، "سازمان بین المللی کارگری جامعه ملل" و با سهیم شدن در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن به جای سازماندهی مبارزه علیه آن، ماهیت واقعی خود را آشکار می سازند. اما، رد شدن پیشنهادهای عملی بین المللی کمونیستی از جانب رهبران بین الملل های دوم و دوونیم و آمستردام باعث این نخواهد شد که ما این تاکتیک را که ریشه های عمیق در میان توده ها دارد و باید به طور شیوه دار و دائمی بسط داده شود، کنار بگذاریم. هر بار که مخالفین ما پیشنهاد برای مبارزه ی مشترک را رد می کنند، توده ها باید مطلع شوند و بدانند که مخربین جبهه ی واحد کارگری چه کسانی هستند. و هر بار که آن ها پیشنهاد ما را می پذیرند،

باید به تدریج مبارزه را تشدید کنیم و به سطح عالی تری ارتقاء دهیم. در هر دو حالت مسأله ی اساسی این است که توجه توده های وسیع را به مذاکرات میان کمونیست ها و سایر سازمان ها جلب کنیم و آن ها را نسبت به نوسانات در تلاش برای ایجاد جبهه ی واحد انقلابی کارگران علاقه مند سازیم.

۲۱- هیأت اجرائیه ی بین الملل کمونیستی در ضمن طرح نقشه ی فوق، توجه تمام احزاب هم نظر را به خطراتی که تحت برخی شرایط می توانند پدیدار شوند، جلب می کند. همه ی احزاب کمونیست به اندازه ی کافی رشد و استحکام نیافته اند و همه ی آن ها به برش نهائی با ایدئولوژی سانتریستی و شبه سانتریستی دست نزده اند. احتمال این می رود که در برخی موارد در امر وحدت زیاده روی شود و تمایلاتی در جهت انحلال احزاب و گروه های کمونیست در بلوک های متحد بدون شکل و محتوا ایجاد گردد. برای آن که استفاده از این تاکتیک بتواند به اهداف کمونیزم کمک کند، احزاب مشخص کمونیست که آن را به کار می گیرند باید نیرومند، متحد و دارای یک رهبری با برنامه و عقاید روشن باشند.

۲۲- گروه بندی هائی که در درون خود بین الملل کمونیستی کم و بیش به درستی به عنوان جریانات راست و یا حتی شبه سانتریست تلقی می شوند، به وضوح متکی به دو گرایش متفاوت اند. برخی از عناصر که واقعاً از روش ها و ایدئولوژی بین الملل دوم نبریده اند و خود را از توهومات در مورد قدرت قبلی سازمانی آن آزاد نساخته اند، به طور آگاهانه یا ناآگاهانه هنوز تلاش دارند تا با بین الملل دوم و در نتیجه جامعه ی بورژوائی به توافقات ایدئولوژیک برسند. عناصر دیگر که مخالف رادیکالیزم صوری و اشتباهات به اصطلاح "جناح چپ" بودند، نگران این اند که احزاب جدیدالتأسیس کمونیست

نتوانند برای تقویت هرچه سریع‌تر نفوذ خود در میان صفوف ساده‌ی توده‌های کارگری در تاکتیک‌های خود هر چه بیش‌تر انعطاف‌پذیری و ظرافت نشان دهند. به نظر می‌رسد که رشد سریع احزاب کمونیست همواره این دو گرایش را به سوی یکدیگر و حتی به درون گروه‌بندی‌های واحد هل داده است. استفاده از روش پیشنهادی ما که برای ایجاد یک پایگاه قوی برای تهییج کمونیستی در فعالیت‌های توده‌ای متحد پرولتاریا ضرورت دارد، تنها روش مؤثر برای افشای گرایش‌های واقعاً رفورمیستی درون احزاب کمونیست است. با استفاده‌ی درست از این روش می‌توان استحکام درونی انقلابی احزاب کمونیست را هم از طریق آموزش مجدد عناصر سکتاریست ناشکیبای "جناح چپ" به واسطه‌ی تجربه‌ی عملی و هم از طریق تصفیه‌ی بازمانده‌های رفورمیسم تقویت کرد.

۲۳- جبهه‌ی واحد کارگری به معنای وحدت همه‌ی کارگرانی است که مایل به مبارزه علیه سرمایه‌داری هستند - منجمله آن کارگرانی که هنوز از آنارشپیست‌ها و سندیکالیست‌ها پیروی می‌کنند. در کشورهای لاتین (و نیز در برخی کشورهای دیگر) هنوز تعداد زیادی از این گونه کارگران وجود دارند و می‌توانند در مبارزات انقلابی سهم شونند. احزاب کمونیست از همان ابتدای پیدایش خود روابط دوستانه‌ای را با آن کارگرانی که به تدریج بر تعصبات خود فائق می‌آیند و به طرف کمونیزم قدم بر می‌دارند، حفظ کرده‌اند. کمونیست‌ها باید امروزه که تشکیل جبهه‌ی واحد کارگری علیه سرمایه‌داری به یک واقعیت تبدیل می‌شود، هر چه بیش‌تر به این گونه کارگران توجه کنند.

۲۴- هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی برای تدقیق قطعی فعالیت های بالا در نظر دارد که در آینده ی نزدیک یک پلنوم گسترده ی هیأت اجراییه را فرا بخواد و از دو برابر تعداد معمول نمایندگان احزاب مختلف برای شرکت در آن دعوت کند.

۲۵- هیأت اجراییه بین الملل کمونیستی از نزدیک بر همه ی اقدامات عملی در این بخش از فعالیت ها نظارت خواهد کرد و از کلیه ی احزاب می خواهد که تمام تلاش های خود و موفقیت های کسب شده در این راه را با ذکر کامل جزئیات به اطلاع آن برسانند.

ترجمه: بهرام

منبع: نشریه شماره ۲ «سوسیالیزم و انقلاب» صفحه ۸۹

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵